

درباره‌نمایشگاه کتاب گیلان

فرصتی که با یادغنیمت

شمرده‌شود



۱- اسم نمایشگاه کتاب که می‌آید،نگاه‌همگان به‌سوی مصلی بزرگ‌شهر تهران کششاده می‌شود. سیدفرزام حسینی محلی که حالاچندسال‌ی استدر اردبیبشتم‌ماه

نمایشگاه کتاب در آنجا برگزار می‌شود و همین مساله نیز مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است که محل مصلی مناسب برای برگزاری نمایشگاه کتاب نیست... اما همه ماجرا این نیست،نمایشگاه کتاب فقط در تهران و مصلی نیست، در چند سال گذشته، هرساله در ماه‌های مختلف سال، نمایشگاهی در دیگر استان‌های دیگر کشور برگزار می‌شود.از جمله نمایشگاه کتاب گیلان که هر سال اواسط پاییز در سالن «فرش گیلان»، ابتدای جاده تهران برگزار می‌شود. لازم است که در این مورد هم بگوییم محل این نمایشگاه نیز مناسب کتاب نیست؟ گویی امری واضح و مبرهن به نظر می‌آید و حرف ما اضافه است! ۲- اما نمایشگاه کتاب گیلان، به‌عنوان یک اتفاق گسترده(؟) در سطح استان چه دستاوردی برای ما دارد؟چه نفعی به مردم و فرهنگ گیلان می‌رساند؟ می‌توان بدین مساله از چند منظر نگریت.امالتابه گمانت ضروری به نظر می‌رسد که نظری به چندویچون برگزاری نمایشگاه‌داشته باشیم؛نمایشگاه کتاب گیلان چندان بزرگ و گسترده‌نیست،هر چند خیلی هم کوچک به نظر نمی‌آید. از سویی دیگر ناشرانی که به این نمایشگاهی می‌آیندو کتاب‌هایشان را عرضه می‌دارند،طفاوحما و بصورت تمام و کمال معیار نشر فرهنگ در کشور نیستند -دست‌کم تا سال گذشته چنین بود- در واقع نشران معتبرو جانسگین در حوزه فرهنگی، کم‌تر با نمایشگاه گیلان می‌گذارند و یا آنهایمی‌کم که می‌آیند -بازهم دست‌کم تا سال گذشته- همه عناوین نشرشان را نمی‌آورند و اگر در فرهنگ‌شان شرک بکشید، قطعاً و حتماً می‌توانید کتاب‌های مهم‌شان را پیدا کنید. علت این مساله چیست؟ به گمان‌یکی عدم استقبال مخاطبان و دیگری عدم سرمایه‌گذاری خود نشران و عدم تقبل ریسک حضورشان است. هر دو عامل در این مساله‌خود هستند!استقبال کممخاطبین که می‌تواند ناشی از مسایلی چند، از جمله عدم سرمایه‌گذاری کافی و نیز تبلیغات مناسب باشد و عدم اطمینان ناشران هم شایدکم‌توجهی‌شان به پتانسیل فرهنگی شهرستان‌هاو نیز ناشی از آن باشد که حوزه‌نشر را در بر گرفته است.

۳- مساله دیگری هم هست؛نمایشگاه کتاب گیلان از چهتی شاده.هایی که نمایشگاه کتاب تهران دارد، شباهتی به البته مثبت نیست و آن هم این است که غرفه‌های نمایشگاهی، باه تعبیری بخش عمده‌ای از غرفه‌هایش، در اختیار ناشرانی ست که درباره شرکت‌تقریبه‌الافتخا نمی‌توان گفت کتاب‌هایی مهمی ندارند و یا مدت‌هاست که کتاب‌ خاصی را به چاپ نرسانده‌اند. این ناشران تا امسال هرساله در نمایشگاه حضور داشته‌اند و گویی سندن غرفه‌ها را در دست دارند! از طرفی می‌توان با ساعتی گردش مختصر دریافت که مخاطب هم حتی توقیفی برای نظاره کردن، در برابر غرفه‌های این ناشران نمی‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که پس چرا هرساله باید غرفه‌هایی با مساحت عظیم در اختیار این ناشران قرار بگیرد؟

۴-این همه دوروی هم رفته،نمایشگاه کتاب گیلان یک فرصت است.هم برای مردم وهم برای مسوولین.فرصتی که برای استفاده از آن نیاز به مامل و دقت داریم، فرصتی که به‌طور استثنائاً این بار به تهدید بدل نخواهد شد!اما اگر بایای توجهی یا کم توجهی به آن بپردازیم، قطعاً و حتماً فرصتی هدر رفته خواهد بود، چنان که تا به امروز رفته‌است.با دیدن این فرصت راغبیمت شمرودر آن‌به نفع تعالی فرهنگی استان استفاده کرد!از هر جهتی که بشود!باشد که چنین باشد!اما...

خبر

استاندار گیلان در آیین افتتاحیه

نمایشگاه کتاب گیلان:

ناشران و اهل قلم امروز

در غربت هستند

فرهیختگان گیلان، دکتر نجفی در آیین گشایش دهمین نمایشگاه بزرگ کتاب گیلان که با حضور معاون فرهنگی وزیر ارشاد برگزار شد گفت: اهمیت نمایشگاه کتاب را باید به‌عنوان کار فرهنگی و ممتاز از دستورات قرآنی دانست
خداوند متعال اولین آياتی را که بر پیامبر بزرگوار اسلام نازل فرمود راجع به خواندن بود و بارها در آيات اشاره به خواندن و کتاب و حتی سوگند به قلم یاد شده است. دکتر نجفی ادامه داد: بحث توسعه پایدار جامعه‌ای با تمدن چند هزار ساله ایران جز از فرهنگ ارج نهان‌بدن به کتاب و کتابخوانی وارزش گذاشتن به شرافت‌آمیز نمر نمی‌شود.استاندار گیلان با بیان اینکه توسعه فرهنگی با حضور بزرگ مردم محقق میشود افزود: امروز معتقدیم می‌بایست در هر کاری با مردم و در کنار مردم حرکت کرد و فرهنگ نیز این مسیر را باید پدید آید.نمایشگاه دیگری دوی اظهار کرد: مسافتانسه کتاب، ناشران و اهل قلم امروز در غربت هستند برای خروج کتاب از غربت باید کوششید این فشر از جامعه‌از غربت خارج کرد.

رسانه

مهدی لطفی که متولد **۱۳۵۹** است از یک کلاس درس دانشگاه، کاملاً اتفاقی پایش به ساختمان خیابان رسالت رشت باز شد و حالا پس از ده سال فعالیت در سیمای مرکز گیلان، مجری یکی از پربیننده ترین و تاثیرگذار ترین

نگارصفری

ایده ساخت برنامه‌های گفت‌وگو محور شبانه در شبکه باران از کجا آمد؟

بیش از یک دهه پیش سیاستی در رسانه ملی طرح و سپس اجرایی شد مبنی بر راندازی شبکه‌های استانی، شاید به این دلیل که در شبکه‌های معدود آن زمان، امکان پرداختن شایسته و بایسته به آداب و سنن اقوام مختلف ایرانی وجود نداشت، بنابراین صداوسیما به سمت تاسیس شبکه‌های استانی گام برداشت. در گام بعدی این دسته‌های مختلف بر بخش‌های استانی م‌محور در مرز ایران نباشند. یعنی به کمک ماهواره و اینترنت هم بشود در کشورهای مختلف آنها را تماشا کرد. شبکه استانی باران از شبکه‌های پیشگام کشور است. این شبکه در استانی باریدن گرفت که قدیمی‌ترها در مرکز گیلان می‌گویند ساختمان تولید رادیو و تلویزیون گیلان در خیابان رسالت، برای سال‌های متعددی در گذشته، استان‌های گیلان، مازندران، گلستان، قزوین و تا حدودی اردبیل را تحت پوشش قرار می‌داده است. مرکز گیلان همواره به دلیل داشته‌هایش در بخش‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نیروی انسانی ورزیده و خوش استعداد، در زمره اولین‌های کشور بوده و هست. همچنین بخش اعظمی از تاثیرگذاران حوزه رسانه در سطح ملی، آثارهای مختلفی بر اساس نیازسنجی از مخاطبان طراحی شده است که یکی از این فرمت‌ها، «جنگ شبانه» آنهاست. در حال حاضر در شبکه‌های استانی کشور، برنامه‌ها با پیروی از یک الگوی واحد ساخته می‌شود. برای مثال شبانه به‌عنوان مخاطب در استان گلستان یک برنامه شبانه دارید که تقریباً همزمان با دیگر استان‌ها پخش می‌شود. با این‌همه تقریباً مشابه که فقط نام برنامه، مهمان، موسیقی، تصاویر بسته به فرهنگ آن استان تفاوت دارد.

بنابراین ساخت ایتمی همان است که از تهران اعلام می‌شود که مثلاً شبکه باران باید برنامه‌ای شبانه داشته باشد یا نمایی برگرفته از زبان و فرهنگ خودش که در گروه برنامه‌سازی «فلان» قرار بگیرد. این برنامه باید ترکیبی و نمایشی باشد، گزارش، مسیلت‌گذاری‌ها متمرکز و چهارچوب برنامه‌ها مشخص است و البته دست استان‌ها برای بر کردن آن خلاقیت و مفاهیم، محتوای بومی محلی بازا است.

به نظر شما بین سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های متمرکز در کیفیت برنامه‌ها تاثیرات مثبت دارد یا منفی؟

به نظر در پیکره برنامه‌سازی اگر رسانه محل تجمع، همکاری و همفکری فرهیختگان و نخبگان باشد؛ یعنی اگر تهیه‌کننده صاحب‌نظر و مجرب، مجری کار بلد و صاحب اندیشه، کارگردان خوش‌ذوق و قریحه، نویسند قادر و توانمند در کنار هم حضور داشته باشند و به هماهین ترتیب شعاع این دایره گسترش یابد تا بیش از چندین تخصصی که برای رویت آنتن رفتن یک برنامه زنده، نقش اساسی دارند در کنار یکدیگر قرار بگیرند، در خروجی برنامه‌ها بر مخاطب‌تر خواهیم داشت.

بنابراین می‌توانیم ما همین شیوه موجود، برنامه‌هایی بهتر از وضع فعلی بسازیم.
کما اینکه وقتی قیاس می‌کنیم، می‌بینیم شبکه باران بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده سازمان صداوسیما استثنائاً این بار به تهدید بدل نخواهد شد!اما اگر بایای توجهی یا کم توجهی به آن بپردازیم، قطعاً و حتماً فرصتی هدر رفته خواهد بود، چنان که تا به امروز رفته‌است.با دیدن این فرصت راغبیمت شمرودر آن‌به نفع تعالی فرهنگی استان استفاده کرد!از هر جهتی که بشود!باشد که چنین باشد!اما...

در رتبه‌های پایین‌تر از ما قرار دارند.

فکر می‌کنید شبکه‌های استانی گیلان چقدر پاسخگوی نیازهای مخاطبان خود بوده است؟
به‌ر حال رسانه عرصه رقابت است در رسانه اصلا‌حی داریم تحت عنوان شبکه «آشپانه» به این معنی که شما امروزه می‌توانید با یک گیرنده به بیش از هزار شبکه دسترسی دارید!باشید اما قطعاً فرصت نمی‌کنید تمام آنها را نگاه کنید. پس وقتی کنترل تلویزیون را در دست می‌گیرید، چند ده شبکه را چک می‌کنید و بعد در یک شبکه فرود می‌آید. شبکه آشپانه همان شبکه‌ای است که شما بیشتر دوستش دارید و می‌نگرید.

در عرصه رقابت نتگانگ میان شبکه‌های داخلی و خارجی قابل دریافت، می‌بینید طبق نظرسنجی گروه سنی کودک است بخش می‌شد، بیش از ۷۰ درصد از ماهوارها خاموش و یا سا در حال دریافت همین برنامه بودند. پس اگر شما برنامه‌ای دارید که کنید که کیفیت داشته باشد، حتما مردم استقبال می‌کنند و به تماشایش می‌نشینند و این نیست جز در سایه شناخت صحیح از مخاطب و نیازهایش که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

استفاده از زبان‌های محلی به‌ویژه گیلکی در جایگاهی در جنگ‌های شبانه دارد؟
در برنامه‌های تلویزیونی علاوه بر تمام

برنامه‌های شبکه باران است. اگر چه در جامعه بیشتر به‌عنوان مجری تلویزیون شناخته می‌شود اما از فعالان فرهنگی گیلان نیز محسوب می‌گردد و دهه‌های هفتاد و هشتاد در بحران‌های منطقه‌ای با تاکید بر سوریه، در چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی INTCESS ترکیه و مقاله دیگری با عنوان «ویگرد نوین رییس جمهور روحانی در تعامل با جامعه دامپزشکی، علوم سیاسی نیز خوانده است.

مکانیزم‌های ارزیابی و بازخورد گیری قبل، حین و بعد از تولید که وجود دارد، مسوولیت محتوایی برنامه بر عهده تهیه‌کننده است که باید در خصوص هر آنچه در برنامه اتفاق می‌افتد پاسخگو باشد. لذا بخش اعظم این توجه غیر از نگاه سازمانی‌ای که باید وجود داشته باشد، به علاقه شخصی، احساس مسوولیت و وظیفه‌ای که تهیه‌کننده در خصوص توجه به داشته‌های فرهنگی و زبانی خود دارد، برمی‌گردد. در مرحله بعد، مجری و نویسنده بخش اعظم کار را بر عهده دارند. در شبکه‌های سراسری می‌بینید که برخی از مجری‌های مطرح، تهیه‌کننده برنامه‌هایی که اجرا می‌کنند نیز هستند. بدین‌جهت می‌توانند به هدف‌گذاری فرهنگی و اجتماعی خود و جامعه به‌واسطه ارتباط تنگاتنگی که با مردم در کوچک و بزار دارند، بیشتر بپردازند.

معمولاً در برنامه‌هایی که اجراش را بر عهده می‌گیرد، با توجه به محبت دوستان برنامه‌ساز و لطفی که مدیران شبکه نسبت به منن دارند، نویسنده‌گی بخشی که مرتبط با اجرا می‌شود، بر عهده من است و فضای تعامل و همفکری با تهیه‌کننده همیشه برقرار است.

در استانی زندگی می‌کنیم که مردمانش چهار هزار سال پیش با سه نوع دبیری خط برای نگارش آشنایی داشتند و همواره استقلال خود را در ادوار مختلف تاریخ حفظ کرده است!کنون هم ساکن شوشتری هستیم که فرهنگشان گزارش، مکتوب است. در حوزه‌های مختلف به ایران و جهان معرفی کرده است. بنابراین این مجموعه این خصوصیات و ویژگی‌های گفته شده و نشده می‌طلبید که هنگام تولید آن مخاطب و مفاهیم، محتوای بومی محلی بازا است. جدی داشته باشیم و از یاد نبریم که برای چه کسانی و با چه پیشینه درخشانی برنامه می‌سازیم.

استفاده از زبان‌های محلی، نتیجه تصمیم مدیریتی بود یا محصول کار برنامه‌سازان؟
در سطح مدیریتی و در نگاه اول وقتی مدیر ارشد، برنامه‌ای را به یک تیم می‌سپارد یعنی به آن تیم اعتماد کامل دارد. نگاه مثبت و بلند نظrane مدیریتی که در شبکه باران به تیم‌های برنامه‌ساز وجود دارد، موجب شده ب‌توانیم به هماهین خلاقیت و نوآوری‌هایی داشته باشیم و البته هنوز تا نقطه آرمانی و جلب نظر مخاطبان گیلانی فاصله داریم.

این روزها دیدار پیم‌ها و تماس‌هایی که دریافت می‌شود و مباحث‌های سینه‌به‌سینه‌ای که با مردم عزیزمان دارم خوشبختانه نشان می‌دهد که گیلک‌ها به طرز شگفتناآوری لاقال در قیاس با دو

دهه پیش، در خصوص به‌کارگیری، اشاعه فرهنگ و ترویج زبان مادری‌شان حساسیت مثبت پیدا کرده‌اند و در ایمن میان جوان‌ترها علاقه بیشتری برای ارتباط‌گیری با هویت فرهنگی و زبان مادری‌شان نشان می‌دهند، به همه این‌ها اضافه کنید که یونسکو در فهرست زبان‌های در حال انقراض جهان، زبان گیلکی را نیز افزوده است، هم جلوی این نابودی و انقراض را چطور باید گرفت؟ به نظر اینجا نقش رسانه برای حفظ و حراست از یادگار پیشینیانمان بسیار پررنگ و تاثیرگذار است و مخاطب با تماشای برنامه‌ها در زبان گیلکی در شبکه‌های محلی است که زبانی مادری‌اش علاقه‌مندتر خواهد شد. جالب است که بداند ما در برخی از شبها مورد این سؤال مخاطبان قرار می‌گیریم که چرا مهمان را مجبور نکردید با این سبک‌استه، گیلکی حرف بزنند.

در گیلان، گیلک، تالش، آذری، تات، گالش، کرامنج و فارس در کنار هم زندگی می‌کنند. ما بنا را بر این می‌گذاریم که همه این‌ها جدای از زبان مادری خود، گیلکی را صحبت می‌کنند و یا آمیختگی آشپانه محلی با فرهنگ گیلان دارند. با پذیرش این فرض مقبول تصمیم بر این شد که اگر مجری گیلک زبان است، گیلکی صحبت کند.

یادم می‌آید در شب سال ۱۳۸۵ بود که من گیلکی صحبت کردن را در شبکه‌های برای اولین بار و رسماً به‌عنوان مجری‌ای با کاراکتر رسمی و جدی و نه مجری بازیگر در برنامه شبانه، شروع کردم که تا آن هنگام مجریان ما- اگر چه باران، شبکه استانی گیلان گلکستان بود-اما همه فارسی صحبت می‌کردند! آن مقطع معاونت سیمای گیلان، فردی آذری‌زبان بود و در واکنش به شعرهای گیلکی‌ای که در ابتدای برنامه می‌خواند، پرسید که آیا همه گیلکی‌ها این شعرها را متوجه می‌شوند؟! به او گفتم که حتی آذری زبان‌های گیلان هم قادرند گیلکی حرف بزنند یا حداقل آن را متوجه می‌شوند. برای اولین بار هم در شبکه باران به‌عنوان مجری، تفاهم و تعاملی با

مهدی لطفی، فعال فرهنگی، مجری و نویسنده شبکه باران:

مجری نباید پایه میکروفون باشد

این روزها در حال کار بر روی پایان‌نامه ارشد خود در همین رشته است. او که عضو انجمن علوم سیاسی ایران است اخیراً یکی از مقالات مشترکش با عنوان «نقش رسانه‌های مجازی در بحران‌های منطقه‌ای با تاکید بر سوریه» در چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی INTCESS ترکیه و مقاله دیگری با عنوان «ویگرد نوین رییس جمهور روحانی در تعامل با جامعه



مهمانان انجام دادم که اگر مهمان آذری یا تالش زبان است، او آذری یا تالشی صحبت کند و من گیلکی. چون پیش‌فرض این است که بیننده گیلای هر دو را متوجه می‌شود و اگر جایی ابهام داشت همان‌جا ترجمه و کمک می‌کنم. برای ابهام داشت برنامه «لا یتی» وقتی آقای دکتر رضایتی کیشه خاله که اسناد دانشگاه در رشته ادبیات هستند را برای تبیین فرهنگ تالش دعوت می‌کنیم، ایشان تالشی صحبت می‌کنند و من گیلکی. همین قرار گرفتن دو گیلایی با دو زبان متفاوت در یک قاب پارادوکس زیبایی می‌سازد که در کوچک و خیابان هم اتفاق می‌افتد.

ارتباط شما با جامعه نخبگان و فعالان فرهنگی استانی چگونه است؟ آیا از آنها در تولید برنامه‌های شبکه باران استفاده می‌شود؟
در شبکه باران این فضا وجود دارد که همه

چهره‌های شاخص حضور داشته باشند و مردم از حضورشان بهره‌مند شوند. شبکه هیچ منعی برای حضور افراد برجسته نخبه در کلیه حوزه‌ها ندارد البته اگر خود آن عزیزان هم مایل باشند! برای نمونه ما دو سال است تلاش می‌کنیم بنا بر درخواست‌های مردم، یکی از اساتید برجسته موسیقی فولکلور گیلایی را در برنامه‌های شبانه‌مان دعوت کنیم اما ایشان به دلایل شخصی نمی‌پذیرند. اینجا رسانه نباید زیر سؤال برود که چرا فلاّتی حضور ندارد؟! ما این فضا و علاقه‌مندی را داریم اما به نظر، استان همان استهتیم که شوشتری هستیم.

در صداوسیما مرکز گیلان ارتباط بسیار خوبی با مجامع علمی و فرهنگی به‌ویژه دانشگاهیان وجود دارد. همچنین جلسات منظمی نیز با حضور آقای نصرپور مدیرکل مرکز، قائم‌مقام، معاونین سیمما و صدا، برنامه‌سازان و کارشناسان مدعو در حوزه‌های مختلف منعقد می‌شود تا رسانه بتواند از مشاوره اهل نظر بهتر و بیشتر در جهت ارتقا کیفی تولیدات خود استفاده کند. البته متأسفانه برخی نخبه ها گفت‌وگو همکاری‌های مشترک در ادبیات کنایه یی مابین‌شهری بسیار است و گاهی که شما در بدنه برنامه‌سازی برای شرکت در برنامه‌ای از عزیزی دعوت می‌کنید، او به نفع می‌گوید، آقای فالّتی که هستند خب از ایشان استفاده کنید و این گونه حضورشان را در رسانه و از مردم دریغ می‌کنند!

برخی منتقدان برنامه‌های شبکه باران می‌گویند بعضی برنامه‌ها کییی برداری شده از برنامه‌های پربیننده شبکه‌های سراسری است. چقدر این نقد را قبول دارید؟

شاید این نقد به برخی از برنامه‌های شبکه‌های سراسری ما نیز که سازندگانشان نگاه به بیرون از مرزها دارند وارد شده اما اگر بخواهیم این مساله بر وخی وارد دیگر حوزه رسانه و فرهنگ را آسیب‌شناسی کنیم، گاهی چون شناخت جامع و سیمایی شفاف و کامل از آنچه باید ساخته شود، در ذهن مشاعر معدودی از برنامه‌سازان نیست، ناگزیر باید شب‌بگرداری از آثار نسبتاً موفق داخلی و خارجی بازمی‌شود و این عدم وجود نقشه راه ناشی از کم دانسته‌ها و کمتر آزموده‌های ما در حوزه فرهنگی و اجتماعی و عدم توجه به فرهنگ عمومی است. اجازه بدیدم بیرسم، ما در ایران برای شادی کردن در دایره حدود الپی چه برنامه یا طرح و ایده‌ای داریم؟

به‌عنوان نمونه ماه رمضان در تمام کشورهای اسلامی ماه مهمانی خوانند، فخر و نعمت و شادمانی معنوی برای مومنان است و آن کشورهای که در این ماه مهم، یکی از کار ویژه‌های رسانه است.

خود شما چگونه یک گفت‌وگو را آغاز می‌کنید و به سر انجام می‌رسانید؟
به‌شخصه در برنامه‌هایی که مجری نویسنده آن هستیم، بدون سوالات یا پیش‌طراحی شده و البته با ذهنیت در خصوص فضای گفتگویی که باید شکل بگیرد و با شناخت از مهمان یا مهمانان و مطالعه درباره در تخصصی یا علت دوست‌شان به داخل استودیو می‌روم. گفتگویی زنده و لذت‌بخش است که بدون هماهنگی قبلی و در همان لحظه درگیرد. بنابراین هرگز با مهمان هماهنگ نمی‌کنم که چه چیزی قرار است از او بپرسم. غیر از این باشد می‌شود سوالاتی که قبل از امتحان لو رفته است و آن گفت‌وگو دیگر جذابیت و اعتبار چندانی نخواهد داشت. معتقدم مجری نباید پایه میکروفون باشد؛ یعنی نباید در گفت‌وگو خلب سلاح، منفعل و یا تماشایی و شنونده باشد، اگر چه قرار نیست مجری در جایگاه کارشناس یا مهمان برنامه بشینند اما باید فردی مطلع به موضوع باشد تا با طرح سوالات جاندار به گرمی فضای برنامه و گفتگو کمک کند.

شششنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۳ | شماره ۱۵۲۰ | ویژه گیلان

جهانی» در دانشگاه آکسفورد پذیرفته شده است. با مهدی لطفی که سه‌سال‌ها روبروی چهره‌های بزرگ گیلانی ایران است و جهان یا مهمان در گیلان نظیر پروفیسور مجید سمعی، پروفیسور فضل‌الله رضا و بسیاری دیگر از نخبگان و چهره‌های شهر، در حوزه‌های نوگاونو به‌گفت‌وگو نشست‌است. در خصوص برنامه‌های شبانه شبکه باران صحبت کردیم:

می‌کنیم ناخواسته نقاط مشترک و انطباق با نسخه مادر زیاد می‌بینیم. از سویی دیگر همه را با یک‌چشم نگریم‌تن هم صحیح و حرفه‌ای نیست. به‌ویژه در مواقعی که شبکه‌های استانی نسخه کاملاً بومی خود را برای تماشای عرضه می‌کنند. فی‌المثل، اگر از خواننده بزرگوار گیلانی مرحومی که از زکورداران اهلی عضو در ایران است در شبکه باران دعوت به عمل می‌آید این لزوماً به معنی کییی برداری از برنامه‌های شبکه‌های سراسری نیست که اگر دعوت نکنیم و فلان برنامه فلان شبکه سراسری دعوتش کند باز می‌پرشد چرا شبکه خودمان فلاّتی را دعوت نکرد و تهرانی‌ها دعوتش کردند.

یکی از مشکلاتی که در گفت‌وگوهای مطبوعاتی و تلویزیونی وجود دارد موضوع تدافعی برخی مدیران است، چقدر با این مساله

مواجه شده‌اید و چگونه با آن کنار آمده‌اید؟
بخشی از این روحیه تدافعی ممکن است ناشی از عدم تفکیک ذهنی ما در هر بست و مقامی که هستیم می‌باین انتقاد سازنده از عملکردها و تخریب شخصی افراد باشد. بیایید بیاموزیم و بپذیریم که منتقد منصف، تخریبچی نیست بلکه خیرخواه و منافع جامعه است. خود من از اواسط دهه هفتاد، به‌عنوان خبرنگار سراسری یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار در گیلان، در نشست‌های مطبوعاتی مختلف حضور پیدا می‌کردم. پدرم در آن زمان عضو شورای مرکزی خانه مطبوعات گیلان بودند و می‌فرمودند: «فقط در نشست‌های خبری شرکت و به نحوه طرح سوالات توسط خبرنگاران وقت کفر». تجربه‌افزوری در این فضاها موجب شد تا پس از ورود به تلویزیون مشکل آن چنانی‌ای برای گفت‌وگو با مهمانان به‌ویژه دولتی نداشته باشم. البته موارد زیادی پیش آمده که مهمان از طرح سوالاتی توسط من بی‌خود.

برای امور آقای احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی‌اش به گیلان، مهمان ویژه‌برنامه زنده شبکه باران با اجرای من و یکی از مجریان خانم مرکز بود. مدیر وقت روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری قبل از آن گفت که من گفت‌وگو می‌کنم برنامه‌های تلویزیونی رییس‌جمهور در دیگر استان‌های کشور تاکنون حدود سسی دقیقه بوده است و نظر به فشرده‌گی برنامه‌های کاری رییس‌جمهور بهتر است بیشتر از این نشود و صد در صد آقای رییس‌جمهور بیشتر از این هم با شما صحبت نخواهد کرد. کارگردان تلویزیونی ویژه رییس‌جمهور هم خیلی دوامتی‌من به من توجه داد که مبادا سعی کنی با سوالی خارج از محورهای اصلی گفت‌وگیرش کنی.

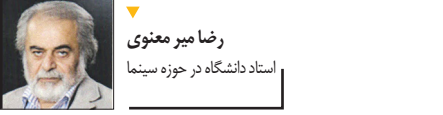
آن شب گفتگویی منا با رییس‌جمهور برای اولین بار در شبکه‌های استانی، از مرز ۹۰ دقیقه گذشت و بخش‌هایی از گفته‌های وی در مصوبات سفر جای گرفت. به‌ویژه طرح مساله ساماندهی نبره‌های شرکی توسط مجری و دستور فی‌المجلس رییس‌جمهوری در برنامه آن شب با‌خزودهای بسیار مناسبی پیدا کرد!ایشان جایی در گفتگوی زنده با ما از عنوان «دریای مازندران»، و جایی هم از «دریای خزر» استفاده کرد. این گونه حضورشان را در رسانه و از مردم دریغ می‌کنند!

برخی منتقدان برنامه‌های شبکه باران می‌گویند بعضی برنامه‌ها کییی برداری شده از برنامه‌های پربیننده شبکه‌های سراسری است. چقدر این نقد را قبول دارید؟
شاید این نقد به برخی از برنامه‌های شبکه‌های سراسری ما نیز که سازندگانشان نگاه به بیرون از مرزها دارند وارد شده اما اگر بخواهیم این مساله بر وخی وارد دیگر حوزه رسانه و فرهنگ را آسیب‌شناسی کنیم، گاهی چون شناخت جامع و سیمایی شفاف و کامل از آنچه باید ساخته شود، در ذهن مشاعر معدودی از برنامه‌سازان نیست، ناگزیر باید شب‌بگرداری از آثار نسبتاً موفق داخلی و خارجی بازمی‌شود و این عدم وجود نقشه راه ناشی از کم دانسته‌ها و کمتر آزموده‌های ما در حوزه فرهنگی و اجتماعی و عدم توجه به فرهنگ عمومی است. اجازه بدیدم بیرسم، ما در ایران برای شادی کردن در دایره حدود الپی چه برنامه یا طرح و ایده‌ای داریم؟

به‌عنوان نمونه ماه رمضان در تمام کشورهای اسلامی ماه مهمانی خوانند، فخر و نعمت و شادمانی معنوی برای مومنان است و آن کشورهای که در این ماه مهم، یکی از کار ویژه‌های رسانه است.

خود شما چگونه یک گفت‌وگو را آغاز می‌کنید و به سر انجام می‌رسانید؟
به‌شخصه در برنامه‌هایی که مجری نویسنده آن هستیم، بدون سوالات یا پیش‌طراحی شده و البته با ذهنیت در خصوص فضای گفتگویی که باید شکل بگیرد و با شناخت از مهمان یا مهمانان و مطالعه درباره در تخصصی یا علت دوست‌شان به داخل استودیو می‌روم. گفتگویی زنده و لذت‌بخش است که بدون هماهنگی قبلی و در همان لحظه درگیرد. بنابراین هرگز با مهمان هماهنگ نمی‌کنم که چه چیزی قرار است از او بپرسم. غیر از این باشد می‌شود سوالاتی که قبل از امتحان لو رفته است و آن گفت‌وگو دیگر جذابیت و اعتبار چندانی نخواهد داشت. معتقدم مجری نباید پایه میکروفون باشد؛ یعنی نباید در گفت‌وگو خلب سلاح، منفعل و یا تماشایی و شنونده باشد، اگر چه قرار نیست مجری در جایگاه کارشناس یا مهمان برنامه بشینند اما باید فردی مطلع به موضوع باشد تا با طرح سوالات جاندار به گرمی فضای برنامه و گفتگو کمک کند.

آسیب شناسی تولیدات صدا و سیمای گیلان



رضا میر معنوی
استاد دانشگاه در حوزه سینما

وقتی از من خواسته شد یادداشتی درباره تولیدات صداوسیما مرکز گیلان بنویسم، هم تعجب کردم و هم پرسیدم چرا من؟! تعجبم به خاطر این بود که بالاخره یک نشریه جرات پیدا کرد تا به چندویچون تولیدات تلویزیونی بپردازد و این رسانه بزرگ و مهم را وا‌کوی کند. به‌نظر می‌رسد هیچ رسانه استانی تاکنون به این مساله نپرداخته و شاید هم من مطلع نیستم. به هر حال همینکه باب گفت‌وگو پیرامون تولیدات تلویزیونی باز شده خود‌مایه خرسندی است و این زمانی شیرین‌تر میشود که مدیران دلسوز مرکز گیلان نیز بر خوروی عادلانه هنری داشته باشند که صد البته چنین خواهد بود. اما چرا من؟! شاید انتخاب بنده به خاطر ارتباط با سینما و تلویزیون و اساساً تولیدات تلویزیونی بوده که چند سالی است در این حوزه در دانشگاه مشغول تدریس هستم. از طرفی به دلیل حضور هنری ام در سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی با مشکلات و آسیبهای تولیدی از نزدیک آشنا هستم و کلیه خردآدهای سینمایی و تلویزیونی را رصد می‌کنم و دست‌سی برشان دارم. به هر حال آنچه گفته می‌شود از زاویه دید یک مدرس و متخصص به امور سینما و تلویزیون است و هدف یافتن راهکارهای مناسب برای تقویت تولیدی‌است. آندره باژن نظریه پرداز بزرگ سینمای جهان و مبتکر سینمای «موج‌نو» در فرانسه و جهان و سردبیر مجله فوق تخصصی «کایه دو سینما» تعریف موجز و مفید در این‌حال بزرگی از سینما ارایه می‌کنند. او می‌نویسد: «سینما عنینت بخشیدن در زمان است».
با این تعریف وظیفه سینما و سینماگران را مشخص می‌کند و می‌گوید پرداختن به موضوعاتی که زمان خود را در برگیرد ناشم تولید است. چونکه از این دیدگاه می‌شود به پیشرفت علوم و فنون و به عبارتی به تمدن بشریت خدمت کرد.

گیلان قدمتی هفت‌هزارساله در تمدن و فرهنگ دارد. در چنین شرایطی فرهنگ و علوم و هنرهای زیبا به‌سرعت رشد کرد و ما اکنون دانشمندان، هنرمندان و اندیشمندان بزرگی در سطوح مختلف در جهان داریم که مایه فخر و مباهات گیله مردم و گیلیه زنان است. طبق آمار بزرگ‌ترین درصد بیوادسی گیلانیان تقریباً در حد و اندازه صفر است و این خود نشانگر شخصیت افراد باشد. بیایید بیاموزیم و بپذیریم که منتقد منصف، تخریبچی نیست بلکه خیرخواه و منافع جامعه است. خود من از اواسط دهه هفتاد، به‌عنوان خبرنگار سراسری یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار در گیلان، در نشست‌های مطبوعاتی مختلف حضور پیدا می‌کردم. پدرم در آن زمان عضو شورای مرکزی خانه مطبوعات گیلان بودند و می‌فرمودند: «فقط در نشست‌های خبری شرکت و به نحوه طرح سوالات توسط خبرنگاران وقت کفر». تجربه‌افزوری در این فضاها موجب شد تا پس از ورود به تلویزیون مشکل آن چنانی‌ای برای گفت‌وگو با مهمانان به‌ویژه دولتی نداشته باشم. البته موارد زیادی پیش آمده که مهمان از طرح سوالاتی توسط من بی‌خود.

برای امور آقای احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی‌اش به گیلان، مهمان ویژه‌برنامه زنده شبکه باران با اجرای من و یکی از مجریان خانم مرکز بود. مدیر وقت روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری قبل از آن گفت که من گفت‌وگو می‌کنم برنامه‌های تلویزیونی رییس‌جمهور در دیگر استان‌های کشور تاکنون حدود سسی دقیقه بوده است و نظر به فشرده‌گی برنامه‌های کاری رییس‌جمهور بهتر است بیشتر از این نشود و صد در صد آقای رییس‌جمهور بیشتر از این هم با شما صحبت نخواهد کرد. کارگردان تلویزیونی ویژه رییس‌جمهور هم خیلی دوامتی‌من به من توجه داد که مبادا سعی کنی با سوالی خارج از محورهای اصلی گفت‌وگیرش کنی.

آن شب گفتگویی منا با رییس‌جمهور برای اولین بار در شبکه‌های استانی، از مرز ۹۰ دقیقه گذشت و بخش‌هایی از گفته‌های وی در مصوبات سفر جای گرفت. به‌ویژه طرح مساله ساماندهی نبره‌های شرکی توسط مجری و دستور فی‌المجلس رییس‌جمهوری در برنامه آن شب با‌خزودهای بسیار مناسبی پیدا کرد!ایشان جایی در گفتگوی زنده با ما از عنوان «دریای مازندران»، و جایی هم از «دریای خزر» استفاده کرد. این گونه حضورشان را در رسانه و از مردم دریغ می‌کنند!

برخی منتقدان برنامه‌های شبکه باران می‌گویند بعضی برنامه‌ها کییی برداری شده از برنامه‌های پربیننده شبکه‌های سراسری است. چقدر این نقد را قبول دارید؟
شاید این نقد به برخی از برنامه‌های شبکه‌های سراسری ما نیز که سازندگانشان نگاه به بیرون از مرزها دارند وارد شده اما اگر بخواهیم این مساله بر وخی وارد دیگر حوزه رسانه و فرهنگ را آسیب‌شناسی کنیم، گاهی چون شناخت جامع و سیمایی شفاف و کامل از آنچه باید ساخته شود، در ذهن مشاعر معدودی از برنامه‌سازان نیست، ناگزیر باید شب‌بگرداری از آثار نسبتاً موفق داخلی و خارجی بازمی‌شود و این عدم وجود نقشه راه ناشی از کم دانسته‌ها و کمتر آزموده‌های ما در حوزه فرهنگی و اجتماعی و عدم توجه به فرهنگ عمومی است. اجازه بدیدم بیرسم، ما در ایران برای شادی کردن در دایره حدود الپی چه برنامه یا طرح و ایده‌ای داریم؟

به‌عنوان نمونه ماه رمضان در تمام کشورهای اسلامی ماه مهمانی خوانند، فخر و نعمت و شادمانی معنوی برای مومنان است و آن کشورهای که در این ماه مهم، یکی از کار ویژه‌های رسانه است.

خود شما چگونه یک گفت‌وگو را آغاز می‌کنید و به سر انجام می‌رسانید؟
به‌شخصه در برنامه‌هایی که مجری نویسنده آن هستیم، بدون سوالات یا پیش‌طراحی شده و البته با ذهنیت در خصوص فضای گفتگویی که باید شکل بگیرد و با شناخت از مهمان یا مهمانان و مطالعه درباره در تخصصی یا علت دوست‌شان به داخل استودیو می‌روم. گفتگویی زنده و لذت‌بخش است که بدون هماهنگی قبلی و در همان لحظه درگیرد. بنابراین هرگز با مهمان هماهنگ نمی‌کنم که چه چیزی قرار است از او بپرسم. غیر از این باشد می‌شود سوالاتی که قبل از امتحان لو رفته است و آن گفت‌وگو دیگر جذابیت و اعتبار چندانی نخواهد داشت. معتقدم مجری نباید پایه میکروفون باشد؛ یعنی نباید در گفت‌وگو خلب سلاح، منفعل و یا تماشایی و شنونده باشد، اگر چه قرار نیست مجری در جایگاه کارشناس یا مهمان برنامه بشینند اما باید فردی مطلع به موضوع باشد تا با طرح سوالات جاندار به گرمی فضای برنامه و گفتگو کمک کند.

حاج‌مقام معظم رهبری، محمدسرفراز به مدت پنج سال به ریاست سازمان صداوسیما منصوب شد. سرفراز متولد یکی از روستاهای رودبنه به نام تفک گروب و برادر ۲ شهید است. برادر بزرگ او جواد سرفراز، مسول دفتر دکتر سیدمحمدبهشتی بوده و به همراه وی در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ در شهادت می‌رسد. برادر دیگر او نیز در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده‌است.عضو اسبق شورای سربدیری روزنامه رسالت در دهه هفتاد، در دوران ریاست ضراحی معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما را بر عهده داشت و در این مدت شبکه ای‌فیل، همپسان، العالم و پرس تی‌وی را راه‌اندازی کرد. پدر وی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالفضل سرفراز نیز نماینده ولی فقیه در هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران بود.

خبر

یک گیلانی رییس سازمان صدا و سیما شد

